

معنی شعر درس هفتم

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور / کلبه ی احزان شود روزی گلستان غم مخور

• غصه نخور، زیرا یوسف گم شده دوباره به سرزمین و وطن خود برمی گردد و روزی خانه ی غم و اندوه،

گلستان می شود (غم ها به شادی تبدیل می شوند)

ای دل غم دیده حالت به شود دل بد مکن / وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور

• ای دل غم دیده من غم نخور که حالت بهتر می شود نگران نباش که این وضع پریشان تو نیز به سامان می

رسد.

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت / دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور

• اگر گردش روزگار چند روزی (مدت کوتاهی) مطابق میل ما نبود، غصه نخور؛ چون وضع روزگار همیشه

یکسان نمی ماند.

• هان، مشو نومید چون واقف نه ای از سرّ غیب / باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور

• آگاه باش و ناامید نشو؛ چون تو از اسرار غیب مطلع نیستی. در پشت پرده عالم ظاهر، اتفاقات یادی رقم می

خورد که ما نمی بینیم؛ پس غم نخور

ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکند / چون تو را نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور

• ای دل من اگر نیستی مانند سیل جاری بشود و بنیاد هستی را برکند و دنیا نیست و نابود شود تو غم نخور؛

زیرا نوح کشتیبان است و تو را از طوفان نجات می دهد (خدا یاریگر توست)

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش ها گر کند خار مگیلان غم مخور

• اگر می خواهی به شوق زیارت کعبه در بیابان گام برداری، حتی اگر خار مگیلان هم به تو رنج و آسیب رساند،

غم نخور (در راه رسیدن به هدف از سرزنش دیگران ناراحت نشو و سختی های راه را تحمل کن)

• گر چه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید / هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور

معنی شعر درس هفتم

- گر چه را ها خطرناک و مقصد بسیار دور است بدان در دنیا راهی نیست که پایانی نداشته باشد؛ پس غم نخور همه راه ها روزی به پایان می رسد.

حافظا در کنج فقر و خلوت شب‌های تار / تا بود وردت دعا و درس قرآن غم مخور

- ای حافظ تا زمانی که در کنج فقر و تنهایی شب‌های تاریک، ورد زبان تو دعا و قرآن است غم نخور